

هم حریم خصوصی تعریف شود

هم فرآیند داده‌کاوی



ماده ۷۵ برنامه توسعه هفتم که مطابق آن مکلف به «راه‌اندازی سامانه رصد، پایش و سنجش مستمر شاخص‌های فرهنگ عمومی و سبک زندگی مردم» شده است این روزها در فضای اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است.

برخی با این ادعا که این ماده حریم خصوصی افراد را نقض می‌کند به‌طور کلی با آن مخالف هستند. برای بررسی این ادعا با محمدجعفر نعناکار، کارشناس حقوق سایبری به گفت‌وگو پرداخته‌ایم. نعناکار بر خلاف ادعا معتقد است داده‌کاوی فرهنگی در حکمرانی امری ضروری است با این شرط که صرفا به یک تک‌ماده در برنامه توسعه پنج‌ساله اکتفا نشده و برای اجرای آن قواعد و قوانین دقیقی در دستگاه‌های ذی ربط وضع شود. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

سامانه رصد و پایش فرهنگ عمومی چه کمکی به حوزه سیاستگذاری در حوزه فرهنگ می‌کند؟

یک مقدار تعریف مفاهیم با ابهام روبه‌روست وگرنه در اصل ماجرا تردیدی نیست و هر عقل سلیمی می‌پذیرد که داده‌کاوی‌های کلان در کشور منجر به این می‌شود که در عرصه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی بتوانیم مهندسی کنیم و جامعه را به سمت درستی جهت دهی کنیم اما این کار بایسته‌هایی نیز دارد. مطابق ماده ۵۸ قانون تجارت الکترونیک که درمورد فضای شخصی است، «ذخیره، پردازش یا توزیع «داده پیام‌های شخصی مبین ریشه‌های قوم، دیدگاه‌های عقیدتی، مذهبی، خصوصیات اخلاقی و «داده‌پیام»‌هایی را‌ج‌به‌وضعیت جسمانی، روانی یا جنسی اشخاص بدون رضایت صریح آنها به هر عنوان غیرقانونی است.» یعنی اگر در این داده پیام‌ها ریشه‌های قومی، نژادی یا ریشه‌های عقیدتی و مذهبی یا خصوصیات اخلاقی باشد یا حتی مسائل جنسی و روانی‌شان در آن باشد شما حتی نمی‌توانید این پیام‌ها را ذخیره کنید چه برسد به اینکه بخواهید آنها را پردازش و توزیع کنید. مگر اینکه صراحتا رضایت صاحب داده پیام را کسب کرده باشید. حال سوال اینجاست اگر قرار باشد این سامانه توسط وزارت ارشاد راه‌اندازی شود که کار مفیدی خواهد بود. قرار است این داده‌ها به‌طور مثال رفتار مذهبی مردم را پایش کند و به‌طور مثال به سازمان تبلیغات اسلامی بدهد؟ یا اینکه مثلا مسائل عقیدتی‌شان را پایش کند بدهد دست شورای انقلاب فرهنگی؟ آن وقت اگر بخواهد این کار را انجام بدهد، قانون برای این موضوع به‌خاطر حریم خصوصی ممنوعیت گذاشته است؛ این را چطور می‌خواهد توجیه کند؟

حریم خصوصی در ایران به چه مناسبت؟

یکی از ضعف‌های قانونی که مادر کشور داریم این است که حریم خصوصی معنای مشخصی ندارد. بزرگنده در قانون‌های مربوط به پزشکی، منشور حقوق شهروندی و قانون تجارت الکترونیک اجمالاً یک چیزهایی گفته شده است. اما اینکه واقعا حریم خصوصی یعنی چه و چه داده‌هایی منتسب به حریم خصوصی است و چه چیزهایی نقض حریم خصوصی است؟ حکمرانی سایبری تعمیمش تا کجاست؟ خیلی پاسخ شفافی به آن داده نشده است. یعنی یک حکمران داده‌ها را تا کجا می‌تواند واکاوی کند؟ اگر این داده‌ها قابل شناسایی نباشد حکمش چیست؟ اگر قابل شناسایی باشد حکمش چیست؟ اینها مسائلی است که همگی باید روشن شود و اگر روشن نشود روال این است که قانون مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد. آن وقت شما یک سامانه‌ای دارید که سطح دسترسی در آن معلوم نیست چطورری است و به چه داده‌هایی دسترسی دارند. اینها همه نگرانی‌هایی است که بخش جامعه‌شناسی و حقوقی را درگیر خودش کند. برای همین است کلیت مفیدی دارد اما می‌توانستند این ماده قانونی را موقوف به آیین‌نامه‌ای کنند که هیات دولت آن را مصوب کند. البته هیات دولت هم نمی‌توانست چراکه این موضوع باید به شورای عالی فضای مجازی برود یا مطابق اساسنامه مرکز ملی فضای مجازی تدوین شود. اینکه بیاید در برنامه هفتم توسعه بنشیند به نظر من تا حد زیادی ایجاد شبهه می‌کند.

اگر سامانه مبتنی بر داده‌های علنی افراد باشد آیا حریم شخصی نقض شده است؟ لفظ «فرهنگ عمومی» که در متن برنامه آمده این نگرانی را برطرف نمی‌کند؟

اینها همه اگر است و شما نمی‌توانید اگر را تضمین کنید. ما یک کانسپتی داریم به نام حقوق، یک چیز دیگری داریم به نام قانون و یک چیز دیگری هم

داریم به نام قضا. هر وقت حقوق بخواهد در یک چهارچوبی قرار بگیرد قانون می‌شود. هر وقت آن چهارچوب بخواهد مورد تفسیر قرار بگیرد می‌شود قضا. اینکه شما می‌گویید کار باید پرسید این اگر را چه کسی تضمین می‌کند؟

می‌گوییم برود در کلان‌سیاست‌ها و بعد آیین‌نامه‌ای برایش تصویب شود؟

خب آیین‌نامه را چه کسانی بنویسند؟ در کجای متن برنامه این امر تعیین شده است؟

وقتی وزارت ارشاد موظف به اجرا شده احتمالا نوشتن آیین‌نامه هم بر دوش همین وزارتخانه است.

نه. این حکما باید باشد شما اگر آیین‌نامه‌ای بنویسید که در قانون به آن اشاره نشده باشد آن آیین‌نامه قابلیت ابطال دارد. در برنامه ششم هم همین است. یک قانون را مصوب می‌کنند که می‌شود سیاست کلان و برنامه. بعد می‌گویند آیین‌نامه مربوط به امضای این قانون یا تبصره را وزارت اطلاعات یا سازمان اطلاعات سپاه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات کنار هم بنشینند یک‌سال یا شش ماه بعد از تصویب قانون در هیات دولت مصوب کنند. اما اگر هم چنین چیزی را نگویند و خود وزارت ارتباطات یا وزارت فرهنگ آیین‌نامه‌ای بنویسد این مبنای قانونی ندارد. این را نمی‌شود به جایی قالب کرد. می‌شود آیین‌نامه‌ای که قلاب ندارد. انگار که آقای وزیر برای خودش یک آیین‌نامه درست کرده‌است که مبنا و زیرساخت ندارد. حتما در برنامه هفتم باید بگویید آیین‌نامه‌اش چه مدت بعد و در کجا تصویب شود. بعد از تصویب نهادهای ذکرشده باید آیین‌نامه را باهم تنظیم کنند. اگر نتوانستند قابلیت اجرا ندارد.

داشتن پایگاه داده چه کمکی به تامین الزامات سیاستگذاری فرهنگی می‌کند؟ من بیشتر حقوقدانم اما با توجه به سابقه‌ای که در سازمان تبلیغات داشتم به نظر من سیاست‌های کلانی که در حوزه فرهنگ تدوین می‌شود متاسفانه خیلی دور از واقعیت جامعه است. یعنی پشت درهای بسته تصمیم‌گیری می‌شود به خصوص جایی مثل شورای انقلاب فرهنگی. ما معمولا واقعیت‌های جامعه را نمی‌بینیم یا کمتر می‌بینیم. یا احساس می‌کنیم آن چیزی که در مقوله فرهنگ مطلوب ماست، مطلوب کل آحاد جامعه است. ما باید حواس مان باشد که در حوزه اعتقادات مذهبی، به تعداد آدم‌ها ممکن است کولنی فرهنگی متفاوتی داشته باشیم. شما نمی‌توانید یک بسته فرهنگی را در شمال و جنوب و شرق و غرب کشور در نظر گرفته و برای همه مشابه قانونگذاری کنید. قطعا باید فرهنگ بومی در نظر گرفته شود. مسائل اعتقادی آن خطه در نظر گرفته شود و مطابق زیست آن خطه مهندسی فرهنگی صورت گیرد. اینکه شما در مساله‌ای که با تنوع فرهنگی مواجه است قانون کلان و ثابتی بگذارید می‌شود مثل همین قضیه قانون حجاب که کلی بازخورد منفی گرفت. بعضی از جاها نمی‌پذیرند و بعضی‌ها می‌گویند چرا آنقدر کم است؟ سختگیرانه‌تر باشد. بعضی‌ها می‌گویند چرا آنقدر سخت است، شل‌تر باشد. این کاملا بستگی به آن خطه‌ای دارد که این مساله می‌خواهد در آن اتفاق بیفتد. حالا اگر قرار است داده‌کاوی اتفاق بیفتد که براساس آن مهندسی فرهنگی رخ بدهد حتما باید بخش‌های فرهنگی جامعه ایرانی که خیلی هم گسترده است مدنظر قرار بگیرد. اینجوابزاینست که کل وسعت یک کشور اندازه قسم باشد. اینجا هر استانش اندازه یک کشور است. حتما باید به مساله قومیت و بخش‌های فرهنگی توجه شود وگرنه قانونگذاری حتی با بیگ دیتا راه به جایی نمی‌برد. فرهنگ خیلی متصل به هنجارهای اجتماعی است. هنجار اجتماعی را می‌توان به قانون تبدیل کرد اما قانون معمولا به هنجار تبدیل نمی‌شود.

کشورهای دیگر چطور از پایگاه داده به نفع سیاستگذاری بهره می‌برند؟

ما در آمریکا و اروپا چند قانون محکم در این حوزه‌ها داریم. اینها مطابق قوانینی سازوکار استفاده از پایگاه داده را تعیین کرده و آن را جلو می‌برند. آمده‌اند این موارد را دسته‌بندی کرده و جلو آمده‌اند. اما ما با چالش‌ی در ایران روبه‌رو هستیم. سیستم حقوقی ما یا سیستم حقوقی آنها متفاوت است. اولاً اینکه آنها مساله مذهب را ندارند. سیستم آنها سکولار است اما ما در قانونگذاری مسائل شرعی برلمان مهم است. آنها قاعده‌گذاری را در بخش‌های دولتی و بخش‌های عمومی انجام می‌دهند یعنی به‌طور مثال می‌گویند این رفتار آزاد است منتها این رفتار در اینجا ممنوع است. ما معمولاً نمی‌توانیم چنین کاری کنیم. ما نمی‌توانیم بگوییم حجاب آزاد است اما حجاب در ادارات دولتی

اجبار است. چرا نمی‌شود؟ چون این موضوع یک اتصالی به مساله شرعی ما دارد. فتوایشش دارد. قاعده فقهی دارد. لذا نمی‌شود به تقلید از آمریکا و اروپا قانونگذاری کنیم. آنجا سیستم عمومی‌اش با ما متفاوت است. فلسفه حکمرانی‌اش با ما متفاوت است ولی فارغ از این تفاوت‌ها یک مساله‌ای در ایران به‌طور کل مغفول مانده است و آن هم نداشتن قاعده برای حکمرانی سایبری است. باید مشخص شود که حاکمیت در فضای مجازی در ارتباطات و اطلاعات تا چه سطحی می‌تواند داخل شود و قاعده‌گذاری کند. باید قبل از اینکه در برنامه هفتم یا جای دیگر بندی درمورد حکمرانی سایبری بیاید شورای عالی فضای مجازی برایش قاعده‌گذاری کند، چون سیاستگذاری‌های کلان را آنجا می‌گذارد. در کل ما حکمرانی سایبری نداریم. قانون حریم خصوصی منسجم نداریم اما از آن طرف دغدغه داریم که می‌خواهیم بحث فرهنگی جامعه را هم مدیریت کنیم یا به آن جهت بدهیم. وقتی شما هنوز حکمرانی سایبری ندارید و پیام‌سان‌های خارج از کشور از شما حرف‌شنوی ندارند، چطور می‌خواهید پیش بروید؟

مثلا در اروپا و مشخصا کشور آلمان که من از آن اطلاع دارم قاعده حکمرانی این‌گونه است اگر از پهنای باند زیادی استفاده کند یا مخاطب زیادی داشته باشد در شمول نظارت و تبعیت از قوانین قرار می‌گیرد. چه در حوزه فرهنگ و سیاست فعالیت کند چه در حوزه مالی این قواعد برای او وجود دارد. اما ما چون این قواعد را نداریم نمی‌دانیم که اگر یک هشتگی ترند شد ما باید با آن چگونه ارتباط بگیریم و چه کاری انجام دهیم. ما هرچقدر هم قانون بگذاریم چون قاعده نداریم قوانین اثری ندارد. این اجرا نمی‌شود یا خیلی بد اجرا می‌شود و به هدفی که باید نمی‌رسد. این یعنی ما نه در سطح و نه در عمق حکمرانی سایبری نداریم و ضعیف عمل می‌کنیم.

اگر بخواهیم برای استفاده از پایگاه داده قانونی بنویسیم که هم بازهی داده‌کاوی را بالا برده و هم حریم خصوصی رعایت شود چه الزاماتی را باید در نظر بگیریم؟ به نظر من این قانون اگر بخواهد تصویب شود دو گزینه باید در آن پیش‌بینی شود. اولاً باید شورای عالی فضای مجازی یا شورای عالی انقلاب فرهنگی حدود و ثغور و نحوه ظهور حکمرانی سایبری را تعریف کنند. این می‌شود قاعده و زیرساخت که باید مشخص شود. نکته دوم این است که وقتی این شوراها سیاست‌های کلان را تدوین کردند و توسط رهبری ابلاغ شد باید به چند سازمان ارجاع داده شود و آنها مکلف شوند بعد از مشلا شش ماه پس از ابلاغ سیاست‌های کلان، آیین‌نامه سامانه را تدوین کنند تا مردم بفهمند حریم خصوصی یعنی چی، دولت تا چه حدی اجازه تحلیل و داده‌کاوی دارد، اطلاعات را در اختیار چه کسانی قرار می‌دهد، آیا بخش خصوصی یا جامعه دانشگاهی هم می‌تواند به آن دسترسی داشته باشد، ضمانت اجرای آن چیست و نظمش چگونه است. تمام اینها می‌تواند در این آیین‌نامه دیده شود. اما اگر این دو مقدمه در نظر گرفته نشود و همان تک ماده در برنامه توسعه بخواهد اجرایی شود مضراتش بیش از محسنتاش خواهد بود.

شما جزئیاتی را الزامی دانستید که برای بهتر عمل کردن سامانه داده‌کاوی باید اعمال شود اما برخی بدون اشاره با جزئیات ایده داده‌کاوی در حوزه فرهنگ را زیر سوال برده و آن را به‌طور کل مخل حریم خصوصی می‌دانند. نظر شما در این باره چیست؟

وجود سامانه‌های داده‌کاوی دولتی به شرط وجود قواعد حکمرانی سایبری امری است که هر عقل سلیمی آن را می‌پذیرد. همان‌طور که جامعه در مواردی همچون استفاده از کارت سوخت و سامانه هوشمند خرید نان بدون وجود قواعد سایبری داده‌کاوی می‌شود در حوزه فرهنگی هم باید این کار انجام شود البته چگونگی ورود به این مساله باید حل شود. اما اینکه یک سیاست کلان و قانونی برای احصا و تحلیل داده‌ها توسط متخصصان وجود داشته باشد و آنها بتوانند این داده‌ها را تبدیل به مساله بکنند و برای آن راه حل ارائه دهند امر بدیهی است. اگر چنین چیزی نباشد حکمرانی زیر سوال می‌رود. حال که سیاستگذار به این نتیجه رسیده که در این چند سال از این مساله غافل بوده‌اما باید به این توجه داشته باشد که صحیح قاعده‌گذاری کند. اگر این اتفاق نیفتد احتمالا مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد چون کلمات مهم است و بویژه که ما در داخل کشور یک کشمکش قدرت درمورد اطلاعات هم داریم و هر دستگاهی که بتواند داده بیشتری استخراج و ذخیره کند قدرت بیشتری دارد پس باید حدود و ثغور و تکلیف هرکس در این ماجرا مشخص باشد. اما کسانی که این امر بدیهی در حکمرانی را به‌طور کلی زیر سوال می‌برند خیلی نسبت به این مساله فهم عمیقی ندارند.

برای سیاستگذاری فرهنگی هم پایگاه داده مهم است هم حریم شخصی



برنامه توسعه هفتم که بیش از یک‌سال و نیم است آماده نشده و مراحل تدوین و تصویب را طی می‌کند در آخرین پیچ‌های خود بین کمیسیون تلفیق و صحن علنی دست‌به‌دست می‌شود تا پس از بررسی‌های نهایی مبنای سیاستگذاری‌های کشور در بازه زمانی پنج‌ساله ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۷ قرار گیرد. یکی از جدیدترین ایراداتی که اخیراً برخی درمورد این برنامه مطرح می‌کنند به ماده ۷۵ لایحه مربوط می‌شود. ماده‌ای که مطابق آن راه‌اندازی سامانه‌رصد،پایش و سنجش مستمر شاخص‌های فرهنگ عمومی و سبک زندگی مردم با هدف تحکیم سبک زندگی ایرانی اسلامی به عنوان یکی از وظایف وزارت ارشاد برشمرده شده و دستگاه‌های اجرایی و پایگاه‌های داده مکلف شده‌اند نسبت به ارائه مستمر و جامع داده‌ها به این سامانه به‌صورت برخط اقدام کنند. نمایندگان مجلس اما با استناد به اصل ۲۵ قانون اساسی به این ماده‌ی نادانند و برای بررسی بیشتر آن رایه کمیسیون تلفیق ارجاع دادند. مطابق اصل ۲۵ قانون اساسی «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای اخبارات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخاره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.» استناد به این بند قانون یعنی این شائبه وجود دارد که نکند به بهانه ایجاد سامانه رصد و پایش اطلاعات خصوصی افراد نیز به بیرون درز پیدا کنند. از سوی دیگر مدافعان این قانون معتقدند نداشتن یک پایگاه داده در حوزه فرهنگ باعث می‌شود سیاستگذاری‌های فرهنگی جهت درست نیابند و محصولات فرهنگی بدون نیازسنجی تولید شوند. حداقلی‌ترین چیزی که از این اختلاف نظرها برآشت می‌شود این است که نباید با نگاهی صفر و صدی منابع از راه‌اندازی «سامانه رصد» شد یا بدون توجه به ظرافت‌های قانونی رای به ایجاد آن داد.

در دنیای مدرن سیب‌زمینی هم سامانه می‌خواهد چه برسد به فرهنگ

یکی از چالش‌هایی که کشور هرسال در حوزه کشاورزی با آن مواجه می‌شود عدم تطابق میزان تولید محصولات کشاورزی با نیاز جامعه است. این امر باعث می‌شود گاهی محصولات کشاورزی در اثر فقدان نیازسنجی، بیش از اندازه به بازار عرضه شود، در نتیجه این محصولات با افت قیمت غیرمعتولی مواجه شده و کشاورزان متضرر می‌شوند. گاهی میزان تولید محصول به قدری پایین است که قیمت سرسام‌آور آن مصرف‌کننده را متعجب می‌کند. این معضل زمانی رفع می‌شود که برنامه‌دقیقی برای تولید محصول متناسب با نیاز جامعه تدوین شود و این امر نیز محقق نمی‌شود جز با داشتن یک پایگاه داده از میزان تولید و مصرف سالانه. همین مثال وارد حوزه فرهنگ نیز می‌توان به حوزه‌ای که عدم نیازسنجی در آن باعث می‌شود با حجم زیادی از محصولات فرهنگی مواجه شویم که بعضا به‌قدر تولیدکنندگان خود مخاطب ندارند.

تولید هدفمند محصول فرهنگی

کلان داده‌ها یا بیگ دیتا (Big Data) اصطلاحی است که برای توصیف حجم زیادی از داده‌ها استفاده می‌شود. کلان داده‌ها را می‌توان برای بینش‌هایی که منجر به تصمیم‌گیری بهتر و برنامه‌ریزی استراتژیک می‌شوند، تجزیه و تحلیل کرد. در دنیای کنونی با توجه به رشد و پیشرفت سریع همه‌جانبه علم و تکنولوژی سیاستگذاران به آمار نیاز دارند. در واقع آمار ابزار لازم تحلیل و آینده‌نگری در هر حوزه‌ای به‌شمار می‌رود. یکی از حوزه‌هایی که وجود پایگاه داده در آن خیلی کمک‌کننده محسوب می‌شود، حوزه فرهنگ است. ازبایی شاخص‌های فرهنگی جامعه براساس داده‌های آماری جامع باعث دقت در برنامه‌ریزی فرهنگی می‌شود. در نتیجه این امر می‌شود کیفیت و کمیت محصولات فرهنگی را متناسب با ذائقه مردم ارتقا داد و بازخورد‌های بهتری نیز از آن گرفت. این امر برای دستگاه‌های فرهنگی که از بودجه عمومی استفاده می‌کنند به‌ویژه در عصر شبکه‌های اجتماعی ضروری به‌نظر می‌رسد. مصوری سرشار از تنوع قالب و محتوا که دست مخاطب را برای انتخاب باز گذاشته و در اتمسفر آن محصولات فرهنگی که بدون ارزیابی آماری از نگرش جامعه تولید می‌شوند به‌احتمال زیاد در جذب مخاطب شکست خواهند خورد.

تقویت مواجهه ایجابی در دفاع از ساحت فرهنگ

استفاده قدرت‌های جهان از رسانه برای استیلای فرهنگی بر کشورهای مختلف واقعیتی است که کسی نمی‌تواند آن را انکار کند. این واقعیت در هفته‌های اخیر در نوع پوشش اخبار جنگ غزه توسط رسانه‌های غربی بیشتر نمود دارد. رسانه‌هایی که خبر دروغ‌گریدن سر۰۳ کودک را ضریب می‌دهند و همزمان در مورد حمله بمب‌افکن‌های رژیم صهیونیستی به بیمارستان پراز مجروح تشکیک می‌کنند. در چنین فضای کشورهای هدف تهاجم رسانه‌ای معمولاً روش سلبی‌رزاری در امان ماندن از بیماران خبر‌های جعلی و محتواهای خلاف ارزش‌های فرهنگی جامعه خود به‌کار می‌گیرند. حال آنکه روش‌های ایجابی در مواجهه با چنین آسیب‌هایی همچون واکنسن عمل کرده و باید در اولویت قرار گیرد. یکی از اقدامات ایجابی نیز تولید محصولات فرهنگی قابل پذیرش از جانب جامعه مخاطبان داخلی است. در این راستا ایجاد یک پایگاه داده جامع‌سیاسی می‌تواند کمک‌کننده باشد. تقویت اقدامات ایجابی باعث می‌شود سیاستگذاران حوزه فرهنگ برای دفاع از فرهنگ خود و نفی فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های مخرب کمتر به اقدامات سلبی همچون فیلترینگ علاقه‌نشان دهند.

داده‌کاوی در فرهنگ با نگاه غیربازاری

اگرچه برای بهبود کیفیت محصولات فرهنگی نیاز به پایگاه داده وجود دارد اما برای تجمع داده‌ها در حوزه فرهنگ نمی‌شود صرفاً اصول اقتصادی را د‌نظر گرفت. از آنجا که یکی از راه‌های درک ذائقه فرهنگی اجتماع رصد کنش‌های مردم در شبکه‌های اجتماعی است سوالات و نگرانی‌هایی نیز درمورد نسبت این رصد با حریم خصوصی و زیست شخصی افراد به‌وجود می‌آید. نظیر اینکه چه محتواهایی در فرآیند داده‌کاوی تجمع می‌شوند، درنهایت آنچه در حافظه سامانه قرار است ذخیر شود چیست؟ آیا صرفاً دسته‌بندی‌های آماری ذخیره می‌شوند یا اطلاعات جزئی مردم نیز بخشی از این پایگاه داده را تشکیل می‌دهد و اینکه چه کسانی دسترسی به این اطلاعات خواهند داشت؟ این سوالات باید پاسخ داده شود و درنهایت سامانه‌ای طراحی شود که درمورد عدم تجسس در اطلاعات خصوصی جامعه تضمین دهد و تضمینی هم بهتر از قانون وجود ندارد. قانونی که نباید صرفاً به یک ماده برنامه توسعه محدود شود و بدون هیچ قید و شرطی دست یک وزارتخانه‌ریاری اعمال نظر باز نگذارد. باید نهاد پیوستنده قانون مشخص شود و آیین‌نامه‌ای جامع تدوین و برای مخاطب نگران نسبت به حریم خصوصی تشریح شود.

درمورد الزامات داده‌کاوی در حوزه فرهنگ با محمدجعفر نعناکار، کارشناس حقوق سایبری گفت‌وگو کرده‌ایم که می‌توانید در همین صفحه بخوانید.

فرهنگستان

فرهنگستان